

مشکل تیم ملی دستیاران قلعه نویی بودند؟

یکی از مهمترین انتقاداتی که بعد از شکست تیم ملی مقابل قطر مطرح شد، ضعف دستیاران قلعه نویی بود. این انتقاد اما جقدر منطقی است و آیا می توان همه مشکلات را به نام سایر اعضای کادر فنی نوشت. این پرونده شامل دو نظر موافق و مخالف با این انتقاد است.



لشکر سلم و تور دستیاران قلعه نویی

قطبی در کجای هرم یوزها می نشیند؟

وصال روحانی
روزنامه نگار

روزمه دستیاران قلعه نویی در دومین مرتبه زمامداری اش در جمع یوزها که از اسفند ۱۴۰۱ شروع شد و اینک پای به دومین سال خود می گذارد، ناقص و ناکافی است

شد و سران تیم سیرجانی پست او را به الهویی دادند. الهویی هم در این مدت کوتاه به قدری بد نتیجه گرفت که وادار به ترک گل گهر و رفتن به اردوی ملی و تجدید همکاری اش با امیرخان شد. معلوم نبود اگر الهویی از ابتدای فصل گذشته سرمربی گل گهر می شد، چه بلایی بر سر این تیم می آمد.

حمید مطهری سال ها دستیار این و آن در برخی تیم های لیگ برتری بود و یکی از این موارد در پرسپولیس شکل گرفت که او دو سال و نیم دستیار اول یحیی گل محمدی به حساب می آمد و بسیاری از طرح ها و ایده های فنی او را پایه گذاری می کرد. وی سرانجام از شروع لیگ بیست و دوم سرمربیگری یک تیم لیگ برتری را تجربه کرد و سکاندار نساجی شد اما در این تیم قانمشهری به قدری ناموفق بود که در هفته بیست و یکم لیگ به سبب بدون پیروزی ماندن در ۱۲ دیدار متوالی برکنار شد.

رحمان رضایی یک مدافع توانا در دوران جوانی اش بود و چند سال در «سری A» ایتالیا هم بازی کرد اما در فوتبال ایران فقط یک بار سرمربیگری تیمی در لیگ برتر را تجربه گرفت. آن هم ذوب آهن یکی از تیم های دوران جوانی اش بود که چون نتایج ضعیفی گرفت، دوره بسیار کوتاهی از آب درآمد. البته او در بزرگراه های متعددی در ایران کمک مربیگری کرده است.

هومن افاضلی در چند مقطع به طور کوتاه سرمربیگری موفق چند تیم لیگ برتری را تجربه کرده اما اکثر دوران کار او در حرفه مربیگری با دستیار این و آن در باشگاه های مختلف سپری شده و آنالیزور و «کمک کننده فکری» چند مربی

خباری که در مورد انتخاب احتمالی افشین قطبی به عنوان دستیار جدید امیر قلعه نویی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شنیده می شود، سوالات زیاد تازهای را به ذهن می آورد. صرف نظر از اینکه قطبی اخیراً هدایت یک باشگاه درجه سوم و تازه تأسیس را در شهر ونکوور کانادا برعهده گرفته و به تبع آن لازمه بازگشتش به فوتبال ایران قطع ارتباط کاری با این تیم کانادایی است، باید پرسید دستیاران پرشمار قبلی قلعه نویی چه گلی به سر تیم ملی زده اند که قطبی بخواهد بزند. در مورد نیت خوب و تلاش این دستیاران برای مفید واقع شدن شکی وجود ندارد اما هم رزومه کاری آنها بشدت خالی و کم ارزش است و هم در بزرگراه های سخت طی رقابت های اخیر جام ملت های آسیا گرهی را نگشودند و افکار منگوش زرنال را آشفته تر کردند و سرانجام موجب شکست ایران مقابل قطر در نیمه نهایی و حذف مجدد ما شدند، آن هم در برابر رقیبی که اگرچه دومین قهرمانی متوالی اش در جام ملت ها را جشن گرفت اما به وضوح و حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد از تیم ملی ما ضعیف تر بود و این قلعه نویی و لشکر سلم و تور دستیاران او بودند که با اتخاذ تصمیم های غلط فنی موجب باخت «یوزها» مقابل این رقیب عربی شدند. رقیبی که جمعیت بومی اش یک پنجاهم ایران است و به تبع آن فوتبالیست های بسیار کمتری را هم در اختیار دارد.

روزمه هایی اندک و ناکافی

روزمه دستیاران قلعه نویی در دومین مرتبه زمامداری اش در جمع یوزها که از اسفند ۱۴۰۱ شروع شد و اینک پای به دومین سال خود می گذارد، همان قدر ناقص و ناکافی است که توضیحات مجمل ذیل گواهی می دهد:

آندو تیموریان هافبک توانایی در زمان طولانی اش فقط به مدت ۷ هفته سرمربی موقت گل گهر سیرجان بود و این پست را هم زمانی تحویل گرفت که قلعه نویی به دلیل بازگشتش به تیم ملی در اسفند ۱۴۰۱ مجبور به ترک این پست

سعید الهویی دستیار اول قلعه نویی که بیش از حد حرف می زد، در تمامی عمر نه چندان طولانی اش فقط به مدت ۱ هفته سرمربی موقت گل گهر سیرجان بود و این پست را هم زمانی تحویل گرفت که قلعه نویی به دلیل بازگشتش به تیم ملی در اسفند ۱۴۰۱ مجبور به ترک این پست

وزن کمک ها متناسب با تیم ملی است

انتقاد از دستیاران به خاطر تعارف با قلعه نویی

فنی متفاوتی دارند و چنین جمعی نمی تواند خروجی هماهنگی داشته باشد. فوتبالی که قلعه نویی ترجیح می دهد، با فوتبال تیم های گل محمدی، مجیدی، الهامی، ربیعی یا حسینی متفاوت است و کسانی که سابقه سرمربیگری طولانی دارند به ندرت دوباره حاضر می شوند که نقش نفر دوم را بپذیرند. کادر فنی تیم ملی با توجه به سطح فنی فوتبال ایران وزن متناسبی دارد و نمی توان انتخاب شان را خارج از قاعده دانست.

با نگاه بدبینانه، انتقادات کارشناسان از دستیاران قلعه نویی می تواند دو دلیل عمده داشته باشد. اول اینکه آنها به دلیل روابط دوستانه و تعارفات تمایلی به انتقاد از قلعه نویی ندارند و ترجیح می دهند پیکان انتقاد را به سمت دستیاران نشانه بگیرند. مسئول اول نتایج سرمربی است و برد و باخت ها به اسم او نوشته می شود. دستیاران در هر تیمی نقش مشورتی دارند، ولی تصمیم نهایی را سرمربی می گیرد و سرمربی در انتخاب ترکیب یا تعویض ها به حرف دستیارش عمل کرده باشد باز هم عواقب شکست با خود اوست، همانطور که بردها به نام او ثبت می شود. مثلاً هیچکس نمی پذیرد که قهرمانی های قلعه نویی در لیگ برتر به خاطر دستیارانش بوده باشد.

دلیل دوم مطرح کردن چنین انتقادی شاید علاقه به ورود به ساختار تیم ملی باشد. قلعه نویی در اولین تجربه اش در تیم ملی دستیاران و مشاوران زیادی را به مالزی برده بود. آنها با عناوین مختلف کنار تیم ملی بودند و حتی تعدادی از آنها هیچ نقشی در تصمیمات نداشتند. قلعه نویی این بار کادر مختصرتری را انتخاب کرده، ولی موج انتقاداتی که بعد از جام ملت ها شروع شده شاید او را مجبور کند که کادرش را گسترش دهد. تبدیل منتقد به موافق در فوتبال ایران سابقه زیادی دارد و این را هم منتقدان خوب می دانند و هم سرمربی تیم ملی.

لازمه دستیار بودن نیست. آنها در کادر نقش اجرایی و مشورتی دارند و برای موفقیت در وظایف محوله شان نیازی به نقش لیدری ندارند. تعداد زیادی از دستیاران تا ابد در این نقش می مانند و ترجیح می دهند هرگز سراغ سرمربیگری نروند. آنها ممکن است سرمربی خوبی نشوند، ولی می توانند یک دستیار درجه یک باشند.

قلعه نویی در پاسخ به این انتقاد به رزومه دستیارانش اشاره کرد.

مانیکونه در تیم ملی سوئیس دستیار بوده، الهویی سابقه دستیار قلعه نویی در تیم های مختلف را دارد و فرد معتمد اوست، مطهری و رضایی سابقه سرمربیگری در لیگ برتر را هرچند در مقاطع کوتاه دارند و تیموریان مربی جوانی است که به دلیل تجربه بین المللی بالا و سابقه بازی کنار اکثر تیم های شان دستیار به آنها تحمیل شود و اصرار دارند که کادر را خودشان بچینند.

مهم ترین نکته در انتخاب دستیاران شناخت و هماهنگی با نگاه فنی و روحیات سرمربی است. یک همکاری موفق زمانی شکل می گیرد که دستیاران کاملاً در اختیار سرمربی باشند و پروژه را در مسیر یکسانی پیش ببرند. دلیل جدایی خداداد عزیز از کادر فنی تیم ملی هم چیزی جز این نبود که در موارد مهمی با قلعه نویی اختلاف نظر داشت و در جریان جام ملت ها هم به آنها اشاره کرد. دستیاران شهرت چندانی ندارند نظرات متفاوتی داشته باشند، ولی در نهایت با نگاه کلی سرمربی هم عقیده هستند و از آن تمکین می کنند.

منتقدان برای تأیید نظرات سرمربی اشاره دارند، ولی چند درصد از دستیاران پیش تر سرمربی بوده اند؟ در تیم های ملی مهم دنیا عموماً دستیاران شهرت چندانی ندارند و عمده فعالیت شان به عنوان نفر دوم و سوم بوده. یک مربی برای نفر اول بودن باید یک لیدر خوب باشد، ولی این

آرمن ساروخانیان
روزنامه نگار

بعد از شکست تیم ملی مقابل قطر در نیمه نهایی جام ملت های آسیا بخشی از منتقدان بر این باور بودند که نیمکت تیم ملی ضعیف است و قلعه نویی باید در انتخاب دستیارانش تجدید نظر کند. در فوتبال جهان کم سابقه است که در انتقاد از عملکرد فنی یک تیم انگشت اتهام به جای سرمربی به سمت نفرات دوم و سوم نشانه شود. در مخالفت با این ادعا به چند نکته می توان اشاره کرد.

در مراجعه به اصول فوتبال، انتخاب دستیاران از حقوق اولیه سرمربی است. همان منتقدانی که چنین ایرادی را مطرح کرده اند هرگز قبول نمی کنند که در تیم های شان دستیار به آنها تحمیل شود و اصرار دارند که کادر را خودشان بچینند.

مهم ترین نکته در انتخاب دستیاران شناخت و هماهنگی با نگاه فنی و روحیات سرمربی است. یک همکاری موفق زمانی شکل می گیرد که دستیاران کاملاً در اختیار سرمربی باشند و پروژه را در مسیر یکسانی پیش ببرند. دلیل جدایی خداداد عزیز از کادر فنی تیم ملی هم چیزی جز این نبود که در موارد مهمی با قلعه نویی اختلاف نظر داشت و در جریان جام ملت ها هم به آنها اشاره کرد. دستیاران شهرت چندانی ندارند نظرات متفاوتی داشته باشند، ولی در نهایت با نگاه کلی سرمربی هم عقیده هستند و از آن تمکین می کنند.

منتقدان برای تأیید نظرات سرمربی اشاره دارند، ولی چند درصد از دستیاران پیش تر سرمربی بوده اند؟ در تیم های ملی مهم دنیا عموماً دستیاران شهرت چندانی ندارند و عمده فعالیت شان به عنوان نفر دوم و سوم بوده. یک مربی برای نفر اول بودن باید یک لیدر خوب باشد، ولی این

نامدار بوده که سرآمد آنها علی دایی است. دایی در دوران سرمربیگری اش در تیم ملی نیز افاضلی را در خدمت داشت و از توصیه های او سود می جست.

قطبی سابقه ای خوش دارد اما...

صرف نظر از اینکه آنتونیو مانیکونه دستیار ایتالیایی قلعه نویی چه کرده و مربی دروازه بان ها و مربی بدنسازی تیم ملی در حال حاضر چه کسانی هستند و چه میزان بهره دهی داشته اند، باید پرسید حالا که بحث اضافه شدن احتمالی قطبی به کادر فنی تیم ملی در میان است، او در صورت آمدن مجدد به ایران در کجای هرم تیم ملی خواهد نشست و اصولاً تا چه میزان به درد این تیم می خورد. قطبی البته طی ۳۰ سال کار مربیگری اش در تیم های متعددی سرمربیگری کرده اما یخت او در این زمینه زمانی باز شد که به ایران آمد و ابتدا سرمربی پرسپولیس شد و سپس به فاصله دوسه سال سرمربیگری در تیم ملی ایران را هم در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ و دور نهایی جام ملت های آسیای ۲۰۱۱ تجربه کرد. این سمت های بزرگ سبب شد چند باشگاه مطرح ژاپنی و چینی هم او را به سرمربیگری خود منصوب کنند و او در آمریکا و کانادا هم در این زمینه رزومه ای را برای خود فراهم آورد. پیش از این توفیق های نصف و نیمه قطبی البته یکی از دستیاران گاس هیدینگ معروف در تیم ملی کره جنوبی بود و همان جا بود که چشم ها را به سمت خود کشید. قطبی مدتی دستیار هم فریبک، دیگر سرمربی هلندی تیم ملی کره جنوبی هم شد ولی در ۱۲-۱۰ سال اخیر هر جا که بوده، نفر اول کادر فنی به حساب آمده است. پرسپولیس ها او را هنوز هم به خاطر قهرمان کردن حماسی تیم محبوب شان در دوره هفتم لیگ برتر دوست می دارند اما او در تیم ملی ایران در هر دو مسئولیتی که به عهده او گذاشته شد، ناکام بود و نه این تیم را به دور پایانی جام جهانی ۲۰۱۰ رساند و نه در جام ملت های آسیا ۲۰۱۱ از شکست مجدد مقابل کره جنوبی در یک چهارم نهایی نجات داد. حالا که سال ها از آن تجربیات می گذرد و قطبی ۶۰ سال سن را هم رد کرده، اینکه تا چه میزان می تواند به قلعه نویی کمک کند، محل مناقشه و تردید فراوان است. شاید هم زرنال که سابقه ای طولانی در پرشمار کردن هر چه بیشتر دستیارانش دارد، همچنان درصد تکرار این تجربه و ساختن یک تیم کامل (حداقل ۱۱ نفره) از دستیاران قبلی و جدید برای خود است و همین نیز برای او کافی و حلال مشکلات است و به پیش از آن چشم ندارد.